

نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال چهارم تیر ۶۴ (زونیه ۸۵) شماره ۳۲

آی ای چنان خون یالا

در هوای درهم تکبیر

بخت سحرهای سرخ سازمان عشق

بخت ابر نعله و باروت

با صداهایی که میخواند خروسی خشم

روی بام‌های خانه مردم

بخت این شب

این شب فرتوت

صبح مردم

صبح بیداری است





بانگ رسای کارگران فریاد پر خروش زحمتکشانشان

همه روزه
ساعات ۸/۵ و ۱۲/۵ بعد از ظهر
بمدت ۴۵ دقیقه

امواج کوتاه
ردیف های ۶۴ و ۷۵ متر

طول موج و ساعت پخش صدای فدایی
را به آشنایان خود در ایران اطلاع دهید



پیرامون افشای برنامه های ائتلافی بورژوا - لیبرالها

و فرمیستهای ضد انقلابی توده ای - اکثریتی با سانسور بیستها

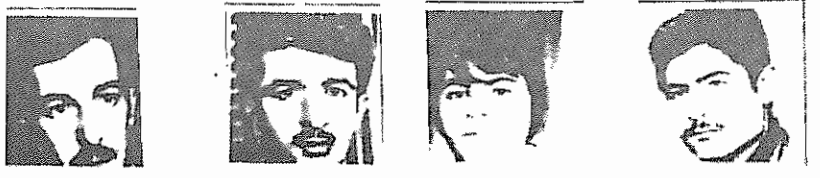
حیران سیاسی موجودات جناب نایدنر، حولات انقلابی و ضرورت مبارزه علیه لیبرالسم و فرمیسم در جهت بسط سردار انقلاب، رسدوا عملی مداوم مبارزه بوده ایورف ندریور و امرون حیران سیاسی حاکم بر جامعه، هروریک رشنه حولات انقلابی را در ایران نه امری احسان نایدنر تبدیل کرده است. حیران امضای سیاسی موجود پیوسته بمادهای اجتماعی را تبدیل می کند و جامعه را سوی یک بلاطم عظیم پیش می راند. ادامه جنگ برداشته حیران سیاسی می فرزند و سمادهای را پیش از پیش تبدیل می کند، مبارزه را در پیش در میان بوده ها در این می راند و تکاف در میان هشت حاکمه را عمیقتر می کند. مجموعه شرایط عینی سما "مارکوکسده اس و امب اس" که حیران پیوسته عمیقتر می شود و رزم جمع بندی اسلامی را در بسادگی در برابر اس حیران است.

در چنین شرایطی که حیران در حولات انقلابی پیش از هر زمان دیگر آنگار رسمی کرده، بورژوازی ایران از طوفانی که در حال رسیدن است آرزو مند است و در جهت تکلیف برای مهار کردن طوفان انقلاب دست به کار شده است. بحره چند سال گذشته، سیاستی و ورگتگی تا کنیک فیر و سرکوب و دستکاری سوری ایران و عمان کسحه را برای مهار کردن حیران و فرود نشاندن موج جسسه بورژوازی ایران نشان داده است. هرورسم ایران و سرکوب دیوانه وار در شرایط سیاسی حاکم بر ایران نه فقط محرکه به بودا و فاع طبیعه حاکمه ننده بلکه سالیکنی دامنه حیران امضای موجود را کسره سر کرده، حیران سیاسی را عمیقتر نموده و رسد و حدت بمادهای اجتماعی افزوده است. اکنون در شرایطی که حیران سراسر حیرا

۴

یادبود به خون تپیدن حمید اشرف

گرامی باد خاطره شهیدان ۸ تیر



لایق جیرانی ناطقه حسینی یوسف قانع حکم سجرائی محمد رضا شرفی



عسکر حسینی اسرده علی اکبر وریزی محمد حسن خسروان ظاهره خرم

انتقال



به انگلستان

از این شماره مسوولیت انتشار جهان (ارگان سراسری هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور) از رفقای هوادار سازمان در آمریکا به رفقای هوادار سازمان در انگلستان انتقال می‌یابد. از انتشار اولین شماره جهان، که به عمت رفقای هوادار در فرانسه آغاز شد و سپس بعد از حدود یک سال توسط رفقای هوادار در آمریکا ادامه یافت، بیش از سه سال می‌گذرد و جهان در این مدت نوانسته است خود را، چون پرخواننده‌ترین و عمده‌ترین نشریه فارسی مارکسیستی در خارج از کشور، تثبیت کند. این موقعیت بی‌شمای جهان، در میان نشریاتی که در خارج از کشور منتشر می‌شوند، مدیون عزم و اراده راسخ کلیه رفقای است که، چه در فرانسه و چه در آمریکا و چه در سایر کشورهای دنیا، برای غنی‌تر ساختن

کمی و کیفی این نشریه، چون نشریه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به‌طور خستگی‌ناپذیر تلاش ورزیده‌اند.

با انتقال مسوولیت انتشار جهان از رفقای هوادار سازمان در آمریکا به هواداران سازمان در انگلستان، حواصم کوسید، با بهره‌گیری هرچه بینسر از کلیه نیروهای هوادار و سایر نیروهای مترقی و انقلابی در اروپا، و طبعاً همچنان با برخورداری از همکاری رفقای هوادار در آمریکا، کیفیت و ررمدگی جهان را باز هم بازریریم.

مسوولیت انتشار جهان در زمانی به انگلستان منتقل می‌شود که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در اثر کسرتش مبارزات کارگران و رُحمتگنان، عرچه بیشتر در آسانه سقوط فرار گرفته است؛ و، در عین حال، "آلترناتیوها"

و نیروهای سیاسی کوناگون مدیرولرررر و غیرولررررر، روزروررررر، در بیسگاه بوده‌های آگاه و حلقهای فهومان ایران بی‌اعتبار و رسوا می‌شوند. جهان، همچون گذشته، تلاش خواهدکرد تا در کنار مبارزه بیرحمانه برعلیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی - چون مهمربین وضعه خود - و همچنین برعلیه کلیه جریانهای ضدانقلابی، با عمه نیروهای ایورنونوئیست، سازسکار، سانتروئیست و جز اینها فاطعانه مرربندی و آنها را افضا کند.

جهان، همچنین، چون نشریه‌ای مارکسیستی، مدافع انترناسیونالیسم پرولترتی خواهد بود، ضمن مبارزه فاطعانه برعلیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ارمبارزات آزادیبخش و انقلابی خلقهای تحت ستم در سراسرجهان و مبارزات انقلابی پرولتاریای کشورهای

۴

در این شماره

■ قتل عام مجدد فلسطینیها

- اخبار ایران ۶۰
- اخبار جهان ۹
- اخبار جنبش دانشجویی ۱۲
- مرگ بی‌شکوه
- شورای ملی مقاومت ۱۵
- گزارشی از اعتصاب کارگران
- معادن ذغال سنگ انگلستان (۲) ... ۱۸
- راه کارگر، یا راه فرمیست ۲۲
- در لبنان ۲۹
- یادنامه ویژه فدایی خلق
- سعید سلطانپور ۳۱
- مصاحبه با جری آدامز،
- رهبر سازمان شین فین ۳۹
- واژه‌ها ۴۱
- لنین و مساله ارضی ۴۴
- کمکهای مالی ۵۳



آودان بادباد رفیق شهید

ندایی خلق مجید سیدی

رفیق محمد سیدی در خانواده‌ای
سخت در شهر نسرین مولد شد و از
سی که محیط خانواده‌اش حوی
داشت، رفیق در ارساط سا
حامعه فرار کرد.

سالهای ۵۶ - ۵۵ هم‌زمان سا
نان بوده‌ها علمه رژیم حساب
سوی وارد مارتیه شد و همگام
ها در سال ۵۷، در مقام خلق
شرکت نمود. او همچون معلمی
در هر جا که تجمعی از رحمتکشان
سخت مواضع اسفلاسی سازمان
داخت.

رفیق در مفتح اشعاب مرصط‌طلبان
حاشی، ماطعانه خط‌اشعاب را در پیش
گرفت و در سگر سازمان به دفاع از
آرامش‌های اسفلاسی کارگران و رحمتکشان
پرداخت، محمد سا روحه انتقادیدبر
خود و نا توان حسنگی ناپیدسروش در
بیشرد اهداف سازمان رساند تمامی
رفیقا بود. وی در دوران آشناسی خود
نا رفیق سعید سلطانپور سسار آموخت،
و چه‌سا در مرگ رفیق گریست ولسی
همیشه تکرار می‌کرد: "سعید را کشتند.
سازمان را هرگز".

رفیق محمد که نا اسم مستعار
احمد حیدری، در کرج فعالیت می‌کرد
پس از سرسردن مدبرسانی در تیرسز
و تهران نا پیدسروش خطرات فراوان به
کرج بازگشت و در آذرماه ۶۰ در یک
عملیات مصادره دستگیر و پس از تحمل
شکست‌های فراوان بالاخره در سحرگاه
نوم دسام ۶۰ به تهادت رسید و حسد
او سساز چهار روز درحالی که
آثار شکسته بر بدن رفیق مشاسگر
حسابات خلادان رژیم و شهادت او بود
به خانواده‌اش تحویل داده شد اما
آچاره سرکراری مراسم به خانواده وی
داده شد.

راهش پررهرو باد

سید محمد رفیق سیدی
است که در برابر پرچم‌های رنگا رنگ لیبرالی‌ورفر میستی که هدف آنها حفظ نظم موجود است،
پرچم سرخ انقلاب را همچنان در پیشانی‌پس خود در اهتزاز نگه داریم. هرچه جنبش بوده ای
اعتلا می‌یا بدو بحرانی‌سی موجود و خیم‌تر می‌گردد، ما سجوی حدی‌سرو اکسدر اراسفلال
طبقاً تکی‌ا رگرا ایدفا می‌کنیم و مانع از انحلال این طبعه در جزئیات لیبرالی‌ورفر میستی
بورژوازی می‌گردیم. ما وظیفه خود میدانیم ما محبت خدا انقلابی‌فریقا را نه و ارتجاسی
لیبرالی‌سیم و فرمیسیم و اسفلاهای لیبرالی‌ورفر میسید که در حال شکل‌گرفتن است در مسا
سوده‌های وسیع مردم فارس و سراملا سیم. شکست کامل لیبرالی‌سیم و فرمیسیم و اسفلا دگمال
آسپار اسرط سسوروی اسفلا می‌داسم. ما در برابر تمام می‌برنا مدهای لیبرالی‌ورفر میستی
سرامت اسفلا ساس می‌سازیم. ما در برابر مکر: سوسا کارانه، سالوسانه، عوام‌فرساده و
سیردم‌سرنده لیبرالی‌ورفر میسها، دموکراسی اسفلاسی‌فرار می‌دهیم. ما در برابر سرفسظ
قدرت دولتی بورژوازی و با رفتمانی ناچیز آسرای سوی لیبرالی‌ورفر میسها از انتقال
تمام قدرت به طبقه کارگر و دهقانان متشکل‌شده در شوراهای از سوسای راده خلق، و در هم‌کس
سسامت سس دولتی‌ورفر و ایدفا می‌کنیم. ما در برابر سرفسظ آسکار و سوسد سوسد سوسو
حکومت اسوی لیبرالی‌ورفر میسها حدانی که ملد سسکا ده دولت امده‌فرار می‌دهیم. ما
در برابر سرفسظ کرد اسرای تراجی‌لیبرالی‌ورفر میسها از حق ملتجانی تحت سس اسرای در تجمین
سرفسظ خود دفاع می‌کنیم. ما در برابر سرفسظ سسها از تراجی‌لیبرالی‌ورفر میسها سسها
اسپاسالیم تا طفرسین ماسرزه علمه سسرامت را طلب می‌کنیم. ما در برابر سرفسظ در سس
لیبرالی‌ورفر میسها اسرای هر جگنا سسرو سسوروی سسرامت سسها کارگران و دهقانان
اسر حمله می‌کردن سسید از ایدفا می‌کنیم. ما سرامت اسفلا را علیه لیبرالی‌ورفر میسها
در برابر سرفسظ سسها تراجی‌ورفر می‌دهیم. جنگ بی‌رحمانه‌ای را علیه اسفلاهای لیبرالی‌ورفر میستی
آغاز می‌کنیم. یقیناً که ملد اسریم که هر چه جنبش بیشتر اسفلاسی‌یا بدتوده‌های وسیع‌تری سس
سست با ما اسفلا سسوروی اسرای و سسور در اطراف آن اجتماع می‌گردد.

سید سفل ارضدای فداسی

باز تکتشیرا سسازمان سسوریکجانی فداسی خلقی‌پیرا سسکمیتد ناما رجا زکشور

۲ خرداد ۱۳۴۲ - ۲۳ مه ۱۹۶۳

✱ بر اثر بمبارانهای مکرر کرمانسا مردم این شهر را تقریباً حالی کرده به مناطی اطراف شهر هجوم بردند اغلب در چادر زندگی می‌کنند. بسیار از این مردم برای دویدن آواره شده‌اند بدین معنی که بسیاری از آنها از ماضی جگرده زدن دمر (سهرمان مصرسیر) حسرونی، گردو، روساغان اطراف (کرمانساز پناه آورده بودند و با حر و مسفنی مسکی در کرمانساز پیدا و حاد محسورند نه حاضر عدم اد کرمانساز دوباره آواره بودند. م رژیم عم حیچکوه سوحهی به و زندگی این آوارگان ندارد و در اعتراض از آنها می‌جوایند به خودشان که به کلی ویران شد بازگردند.

نهدیدعا و فشارهای رژیم نتوان است تا کنون این مردم رابه خانه‌ها بستان بازگرداند. عوامل رژیم برای بازگرداندن مردم به شهر به وسایل مختلف متوسل می‌شوند. برای مثال شبها بشکتهای خالی از ارتفاعات نزدیک به محل چادرها به پایین پرتاب می‌کنند و این باعث می‌شود که مردم با ترس و وحشت از خواب بیدار شوند و به خیال اینکه بمباران شده است از چادرها بگریزند. گاهی نیز گلوله‌های بزرگ ساخته شده از گاه را به نفت آغشته کرده و آتش می‌زنند و از ارتفاعات نزدیک به طرف چادرها پرتاب می‌کنند. این عمل باعث شده است که تا کنون بسیاری از چادرها دچار حریق شوند و دهها نفر از آوارگان جان خود را از دست بدهند.

از اقدامات دیگر فرستادن اوباشان و چاقوکنها به چادرهای آوارگان است تا بدین وسیله زندگی را برای آنان غیرقابل تحمل سازند و آنها مجبور شوند به خانه‌هایشان بازگردند. در مراسم فرمایشی نماز جمعه در کرمانساز و سهرهای اطراف دیگر کسی شرکت نمی‌کند و رژیم تعدادی از مزدوران خود و بسیجی‌ها را به این مراسم فرمایشی می‌برد و در تلویزیون نشان می‌دهد.

سه تن از یسرعموهایش که در روستاهای اطراف اسدآباد زندگی می‌کنند به منزل وی در شهر کرمانشاه می‌روند. چون این بازدید کاملاً غیرمترقبه بود، این شخص دلیل آمدن آنها را در آن موقع شب جویا می‌شود و با ناباوری می‌برد که هرکدام مبلغ ۲۰۰ تومان به اضافه هزینه سفر دریافت داشته‌اند تا در نماز جمعه شرکت کنند.

✱ منطقی به‌نام هتل آفتاب در کرمانشاه که محل سکونت تعداد زیادی "جاش" بوده است توسط افراد ناشناخته‌ای به آتش کشیده شد و حدود ۷۰ تا ۸۰ نفر از جاشها معدوم شدند و جمل هم به کلی ویران شد. مردم شهر از شنیدن این خبر خوشحال شدند و به دیدن محل آتش سوزی رفته، باوجود حضور مزدوران حسنودی خود را نشان می‌دادند.

✱ يك حاجی حزب‌اللهی می‌گفت که به عمت جمهورن اسلامی اوضاع بسیار خوب شده است. سها ناراحتی ما فعالیت‌های کمونیست‌هاست، لادمه‌ها هر روز خانه مردم را از اعلامیه و نوشته پر می‌کنند.

برای چند هفته منوالی به اعتصاب عمومی دست زدند. این اعتصاب در اعتراض به جنگ و کمبود و نارسایی‌های مختلف بود. باوجودی که این اعتصاب از قبل برنامه‌ریزی نشده بود ولی اکثر مردم در آن شرکت کردند. بیشتر معارزه‌ها بسته بود و کارمندان ادارات به سرکار نرفتند. دانش‌آموزان و معلمین عم پس از تعطیلات عید به مدارس بازنگشتند. با طودنی‌تر شدن اعتصاب، عوامل رژیم مثل عمیته نجار سردرگمی شدند. در ابتدا تلاش کردند تا مردم را با فریب دادن به سر کارهایشان بازگردانند. به عمین منصور اساندار از طریق تلویزیون مردم را به بازگشت دعوت کرد و در عین حال در کمال وقاحت این اعتصاب را به نفع رژیم تعبیر و آنرا حرکتی برای همدردی با کشته‌شدگان در جنگ اعلام کرد. و از مردم سخر عم به‌عمل آورد.

ولی چون این حیل به‌موت واقع نسد، به‌رور موسل شدند و مردم را به قطع کوینهاپسان و کارمندان را به اخراج تهدید کردند. سرانجام بعد از چند هفته مردم به اعتصاب خانم دادند و به‌سر کارهایشان بازگشتند. این اقدام یعنی پایان دسته‌جمعی اعتصاب خود حاکمی

دو گزارش از ایران

ار یکی دیگر از پرسنل که ساکن مجتمع سکوسی قصر فیروزه شماره ۱ بود در مورد صبح زندگی اش سوال شد. گفت: "ای بابا، مثلا از اول امسال قرار است به هر ببری که متاعل است، ۸۰۰ تومان حق حل بدهسد. ولی همین را هم مسروپ بدهاند که باید بالای ۱۰ سال سابقه اشته باشد و همسرش ساغل نباشد. جان این ۸۰۰ تومان در ماه، فرار گذاشتند. بر آینده پول بقی مصرفی را که ناجبال جانی بوده از ما دریافت کنند. از نظر نمائی هم، ما بیستر خودمان دنبال رها هستیم. چون مسوول ناسیسات و خدمات عم نارامی است. زیاد دنبال کار نمی آید و باید نامه ان بنویسیم و ۲ ماه بعد ساره بیایند. که فلان و فلان چیز را بخرد تا بیاییم کارتان را انجام دسیم. و رون عمین حساب، نرجیح می دسیم خودمان دنبال این کارها برویم. البته آنها هم فقصیری ندارد، چون مثل ما در فشار زندگی عسسد. صمنا پول سری را آمدی ست از مجتمع شماره ۲ می گیرید." سفر اول گفت: "در شنیع جباره حلبان سی - ۱۱۳ که به نازکی در فرودگاه شهید شد، عمسر حلبان شهید شده به حکمگاران شو عرس می گفته: "ترا به خدا پیروار کنید. مگر ابها را نمی پسند که مرتب شهید می شود. داخل دفتر بچه هایان ساسید."

ما را بزنند." از او سوال شد: "مگر اسکورت ندارید؟" او گفت: "فلا داشتیم ولی حادثه. و وفی اعتراض کردیم که چرا به ما عواپجای اسکورت نمی دسد؟ جواب دادند: "نداریم" و ما هم گفتیم: "خوب ما هم درخطر می افنیم و حر آن امکان دارد به ما حمله کنند." گفته شد: "مگر آن کسی که روی زمین می روده یعنی داد که زیر پایس مین است. چرا، می دانند، ولی چون زمان جنگ است، برای پیروزی باید که ار خودگذنکی کنیم." و ما هم مجبوریم. باید بدون اسکورت پیرواز کنیم. ولی به ما گفته شد که می توانیم، عر زمان که احساس خطر کردیم، مدطرب مرکز یکی از پایگاهها برویم."

(۲)

ار حبابان اصلی به کوچگان که در اسهای آن خانه های وهران شده فرار داشت، وارد شد. در خاطع کوچه و حبابان مرد رحمنگنی ایساده بود و برای کسانی که ساره می رسیدند چکوککی واقعه را توضیح می داد: "ساعت ۵ صبح بود که سدیم ایجا را رده اند. پاندم راه افتادم، آدمم. امروز دیر رسیدم."

پرسید که دولت آباد را ردتند. ساعت ۴ رسم آنها. رادسو که اعلام می کنند کجا را رده اند. باید از اس و اون حردار سوم. سراسر کوچه پر از سبسه های بود که بر اثر موج انفجار سکسه شده بودند. س شعاع ۱۵۰ مری نعام حابه ها، بدون استثنا، تعدادی از نشینه هایشان سکسه شده بود." سکاکی به کوچه و سپس

پاسداران و ... رگیری می شد. مردم سم به عنوان اعتراض بیشتر از لباسها و پیراهنهایی که اصطلاحا "پانکی" خوانده می شود استفاده می کنند. این حرکت نوعی دعش کچی به رژیم است و رژیم ار مقابله مستقیم با آن عاجز است. از همصین رو مزدوران خود را برای ایجاد وحست به حبابانها می فرستد.

* پوسنرهای بزرگ حمینی و سایر سران رژیم دانشا توسط افراد سانساسی پاره شده یا بر روی آنها شعار سوسه می شود و یا صورت آنها را با مدفوع انسان و حیوانات می پوشانند. عوامل رژیم مدنی هرروره این پوشنخا را که باعث خنده و مسخره مردم می شده است عوض می کردند. ولی احرا با آنها را برداسته اند و یا در محلهای که قابل دسترسی ساشند، صب می کند و روی آنها را سالیون می کنند. البته سالیون کشیدن بر روی صاویر سران رژیم عم نتوانسته است این صاویر را محفوظ نگاه دارد و حاز مجبورند روکشهای سالیونی را مرتب عوض کنند.

نه مرد زحمتگنی که از بیافه‌اش مسکری و سفر می‌تارید، انداختم و او پرسیدم "کجا را رند؟" با اشاره انهای کوچ را نشان داد و گفت: "نه کوچه‌ست دست چپ. ببین چه بلایی سر این مرد سدح آورده!" مرد زحمتکش دیگر که اسبابه بود، ساسی‌هاوس با آکا‌ها گفت: "دست؟ سار آمد. سالی پریس را عم که سامده بود، در آورده. سار سررسن آلودی نه او کسم: "سار حا روی سر خودمان خراب نبود، چه‌ما را از زیر خاک در ساوردیم و روی دست نبریم. ساسی فهمیم بمب یعنی چه! بیافاصله مناثر شد، تصویر را که در دستش زنده کردم، بمعنی فاجعه پی‌برد و خاموش به‌سخنان زحمتکش اولی گوش داد و می‌گفت: "چه فرقی می‌کند. مگر این کی هستند. برادر و خواهرهای من و تو هستند. بمخدا همین طبقه‌ای به‌اندازه طبقه ۳، دلش به‌حال مملکت و آدم‌عایش نمی‌سوزد. کچه، عرچی بلا و بدبختی هم عست، مال همین طبقه‌ست!" مرد زحمتکش به‌سخنانش ادامه می‌داد، و محوری شده بود که مدام به تازه‌واردین اخبار را می‌رساند.

جمعیت دسته دسته در حال رفت و آمد بودند و اکثرا از سفر زحمتکش حوالی منطقه بودند. به‌طرف انهای کوچه و محل انجار رفتن. محیط کاملاً پیر از مردمی بود که دایم در حال رفت و آمد بودند. حدود ۴۰۰۰ نفر در اطراف خانه‌های ویران شده تجمع کرده بودند. خانه‌های ویران شده، در ضلع سرفی فلکه دوم واقع شده بودند؟ خانه دوطبقه بکلی ویران شده بود و یکی از اتاق‌های یک خانه دوطبقه نیز فرو ریخته بود و کلا تمامی خانه‌های اطراف به‌نوعی خسارت دیده بودند. مامورین شهرتانی به‌وسیله طناب، در اطراف خانه‌های ویران‌شده حصار کشیدند. حتی از ورود عمسایه‌های اطراف نیز به‌محل جلوگیری می‌شد. منفره دلخراسی بود. عمه با چشمان مانم‌زده به بلدوزر‌هایی که در حال خاکبرداری بودند، نگاه می‌کردند و هر لحظه در انتظار بیرون

کشیده شدن سربسی بودند. ساسی به اشخاص دور و برم کردم و گفتم: "چرا با بلدوزر؟ اگر کسی هم زنده مانده باشد که لای چنگک‌ها له می‌شود. این همه آدم اینجاست، هرکدام یک آجر بردارند تمام می‌شود. چرا نمی‌گذارند مردم کمک کنند؟" شخص پهلو سسی‌ام گفت: "آره، درست است. هرکس یک آجر بردارد، تمام است." دیگری گفت: "نه بابا، سلوع می‌کنند. نمی‌گذارند اینها هم کارشان را بکنند." گفتم: "از دیسب ساعت ۱/۳۰ تا ۷ ساعت. سوز سنج کارن کرده‌اند. نه‌دادش، اگر از شرکت مردم جلوگیری نکنند، تا حالا، جارو عم کرده بودند!"

در عمین هنگام صدای جیسع زن زحمتگنی به‌گوش رسید که پریسان از سوی جمعیت، به‌طرف محل خراب شده می‌دوید و با انگشت به‌آنجا اشاره می‌کرد و با ناله می‌گفت: "خواهرم، آنجا خانه خواهرم است!" ماموران در ابتدا می‌خواستند مانع از ورود زن به‌منطقه حصار کشیده شوند، اما حمایت مردم با چشم‌هایشان از زن زحمتکش و احساس عمدردی‌شان بلافاصله آنان را از این کار باز داشت و زن فریاد کنان به‌طرف خرابه‌ها دوید. اطراف محل به‌وسیله

مامورین شهرتانی کنترل می‌شد اما درون محوطه افراد سپاه و کمینه، گشت می‌زدند. به‌نظر می‌آمد آنها خودشان عم از حساسیت مردم نسبت به‌کنترل اوضاع پی برده بودند. کم کم تعدادی از مزدوران را در بین جمعیت شناسایی کردم که به حرف‌های مردم گوش می‌دادند. شنیدم که یکی‌شان در جواب مردی که می‌گفت: "چرا نمی‌گذارید مردم کمک کنند؟" این چنین پاسخ داد: "برای آنکه آقا، اموال و اتاتبه بیچاره‌ها را حفظ کنند. من خودم یک دفعه نوب سلوعی‌ها یک نفر که دست یک صیط می‌برد، گرفتم." البته اس مزدور لباس معمولی و بیافه غاغر عادی داشت. برگشتم و گفتم: "این حرف‌ها چیه می‌زنی عمو؟ کی می‌آید نوب این موقعیت، یک عمچین کاری بکنند؟ مگر مردم شرف ندارند؟ تازه، صدتا یکی عم که پیدا بتسود، جرات نمی‌کند جلوی مردم عمچین کاری بکند. مگر مردم شرف ندارند؟ دزد عمیته دور از چشم مردم دزدی می‌کند." "دو، سه نفری گفتند: "آره بابا، صدتا یکی پیدا می‌شود!" تعداد مزدوران دایت اضافه می‌شد و کمیت هم غیرمستقیم اوضاع را تحت کنترل داشت. بیشتر سعی در آرام نگاه داشتن مردم داشتند، تا اینکه دنبال

نحص خاصی بکردند. به طور کلی، روحیه مردم برای یاری رساندن و مشارکت در بیرون کشیدن اجساد یا مجروحین خیلی خوب بود. آن طور هم که شنیدم، در ساعات اولیه مردم خیلی از کشته شده‌ها و مجروحین را از زیر آوار بیرون کشیده بودند. اما سیوه‌هایی که رژیم برای جلوگیری از دخالت مستقیم پپین گرفته بود، ناهدودن کارسار بود.

در صحبت های مردم عدم اعماد به رژیم در مورد آمار کشته شدگان، و ناراضیتهای شدید از اطلاع ندادن آدرس های مناطق بمباران شده کاملاً حس می‌شد و بعضی‌ها با صدای بلند و با صراحت می‌گفتند: " دروغ می‌گویند! رادیو گفته ۱۳ نفر کشته شدند، ۳۰ تا هم بینسزند." آن طرف خط راه‌آهن هم راکتی به خانه‌ای اصابت کرد و آن را به صورت تپه‌ای از آجر و خاک درآورده است. به طوری که مردم می‌گفتند، هیچ کس زنده نمانده است.

در روز حادثه، در طول مسیر جوانان را سوار کردم. ضمن صحبت درباره مساله جنگ و بمباران‌ها متوجه شدم که وی ساکن محله بمباران شده است. پسر جوان می‌گفت خانه‌ای که آن طرف خط راه‌آهن بود، معلول به عمویش بود. که در نزدیکی خانه‌شان فرار دارد. پرسیدم: " عمار خانه‌ای که مثل یک تپه خاک شده؟ درسته؟ آیا کسی هم زنده مانده؟" پسر جوان با آرامشی گفت: "عمویم زنده بود. رفت بچه‌ها را در بیاورد که کبر کرد. یک در افتاد بر رویش. مامورهای بلدوزر آوردند. من دویدم و گفتم، بلدوزر نماند ازید. عمویم رنده است. اوباش‌ها، در افتاده روس. گفتم ما خودمان درس می‌آوریم. بعد بلدوزر انداختند، از تکمیش کشیده بودند بیرون که له شده بود. مردم خیلی عصبانی شدند. ریختند به جون پاسدارها. یکی‌شان را زدند. از آنجا ما اینجا (با دست اشاره به صورت و گردنش می‌کرد) حر دادند. بهسون می‌گفتم: " شما مثل سنگ می‌مونید. کم نسین. سماها مثل سنگ هستند... گداشند رفتند. فقط شهربانی

را مردم می‌گذارند آنجا کار کند." پرسیدم: " چند نفر سون حانه بودند؟" جواب داد: " فقط ۱۰ نفر عموم و حانواده اس بودند. رادیو گفت ۱۳ نفر. در حالی که حداقل ۶۰ - ۵۰ نفر هم آن طرف خط کسه شدند." گفتم: " محسوس مردورند. پاسدار و شهریار..."

و حاداحتی می‌کرد.

خرید اسلحه از سوئد

طی دو سال گذشته کارخانه اسلحه سازی سوئدن به نام " بوفورس " مبلغی بیش از ۱۰۰ میلیون کرون سوئدی نسلحات نظامی و مواد منفجره به ایران فروخته است. مدارک رسمی از قبیل فیص‌های سفارش کالا، قرارداد، فیص‌های فروش کالا، گفته کارمندان مسؤول " شرکت بوفورس " و مدارک دیگری که در جریان بازرسی یکی از شرکتهای وابسته به " بوفورس " به نام " Nobel Kemis " به دست ماموران بخش جنایی کمرك سوئد افتاده است، حاکی از فروش

نسلحات نظامی زن

شرکت " بوفورس " متهم به فروش و صدور غیرقانونی نسلحات نظامی از طریق کشورهای اروپای غربی می‌باشد. طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ کارخانه اسلحه سازی بوفورس تعداد ۱۲ توب جنگی را با اجازه دولت سوئد به نیروی دریایی ایران فروخت. ولی پس از اوج‌گیری مظالمات توده‌ای در ایران صدور تمامی مهمات جنگی به ایران قطع و مسموع شد.

در مورد فروش اخیر مهمات جنگی به ایران، Stig Age دادستان استان در مصاحبه مطبوعاتی با یکی از روزنامه‌های صبح سوئد به نام " Dogens Nyheter " می‌گوید: " بخش جنایی کمرك سوئد در

اسپاسا اعتصاب عمومی ۲۴ ساعت

هند -

تحصن کارگران سابق یونیون کارباید

بنا به گزارش تایمز مالی بیش از ۴۰۰ نفر کارگران کارخانه شیمیایی یونیون کارباید در یوپال هند (محل سانحه ماه دسامبر سال پیش که منجر به کشته شدن ۲۵۰۰ نفر شد) در کارخانه دست به تحصن زدند. این کارگران که در عرض چند ماه گذشته بیکار بودند، خواستار اشتغال دوباره دریافت دستمزد بابت این مدت بیکاری هستند.

برای اولین بار طی هفت سال گذشته اتحادیه‌های کارگری اسپاسا با برپایی اعتصاب ۲۴ ساعته، به نام ABC • E. • S. چاپ نشدند، بازنتسنگان و بیکاران برپا شده بود، شرکت کردند. دو روزنامه مشهور اسپانیا



کورتون وود (Cort on Wood) - رودرویی پلیس با معدنچیان اعتصابی. تحولات اعتصاب ، توهم هزاران کارگر را نسبت به ارگانهای " نظم و قانون " زدود.

انگلستان -

تعطیل معدن کورتون وود

عمانطور که بیس‌بینی می‌سد، بنا به تصمیم شرکت دولتی ذغال سنگ انگلیس معدن " کورتون وود " در منطقه یورکسایر که در طول سال گذشته منظر مقاومت کارگران معدن بود، در دسامبر سال ۱۹۸۵

تعطیل خواهد شد. معدن " کورتون وود " عمان معدنی است که اعلام تعطیل آن در مارس ۱۹۸۴ باعث شد اعتصاب سراسری معدنچیان در سال پیش آغاز شود. شرکت همچنین اعلام کرد که معدن " بروکهورز " در جنوب یورکسایر بزودی بسته خواهد شد. در طی سه هفته گذشته بیش از ۱۰۰۰۰ کارگر در منطقه یورکسایر اطلاع یافتند که بزودی بیکار خواهند شد. رویهم

رفته از اعتصاب معدنچیان تا به امروز بین ۱۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ معدنچی در سرتاسر بریتانیا با خطر بیکاری روبرو شده‌اند. آرتور اسکارکیل رهبر اتحادیه سراسری کارگران معادن بار دیگر به معدنچیان گفت که تنها با شروع اعتصاب سراسری دیگر می‌توانند با سیاستهای دولت و شرکت ذغال سنگ در مورد نابودی صنایع معادن مبارزه کنند.

فرانسه - درگیری کارگران اس. کا. اف.



صحنه‌ای از درگیری سبب پلیس و کارگران .

طی درگیری خشونت آمیزی بین پلیس ضدشورش فرانسه و کارگران وابسته به اتحادیه ث. ژ. ت. (CGT) بیش از صد نفر زخمی شدند. از چهار سال پیش یعنی از دوران به قدرت رسیدن میتران تا به امروز این درگیری شش ساعته بزرگترین روبرویی کارگران و پلیس در این کشور بوده است. نطفه‌های این درگیری از ۱۸ ماه قبل یعنی زمانی که کمیانی سوئدی تصمیم به تعطیل مجتمع SKF گرفت، بسته شد. این تصمیم با مخالفت شدید اتحادیه روبرو گردید و فعالین اتحادیه مذکور به همراه کارگران بلافاصله مجتمع فوق‌الذکر را به اشغال خود درآوردند. اشغال کارخانه ۱۸ ماه به طول انجامید تا سرانجام پلیس ضد شورش به منظور تخلیه کارخانه به این محل فرستاده شد. حضور پلیس در محل باعث خشم بسیاری از کارگران گردید و پس از چندی درگیری آغاز گشت.

این مقابله زمانی رخ داد که حزب کمونیست و ریمبرث. ژ. ت. به اتهام

سوریه

با به گزارش "سافا" طی یک عملیات سرکوبگرانه توسط پلیس ویژه برعلیه فلسطینیهای مقیم سوریه بیش از ۷۰۰ تن از فلسطینیان دستگیر و دینها تن کشته و زخمی شده‌اند. سافا انهار می‌کند که این عملیات سرکوبگرانه به دنبال تظاهرات فلسطینیها در سوریه به منظور اعتراض به قتلعامهای اخیر در سروت صورت گرفت.

طبق این گزارش ماموران سرویسهای مخفی سوریه در اردوگاه ال - یارمون در نزدیکی دمشق بر روی فلسطینیها آتش گشوده‌اند. این ماموران همچنین عماران س - سوری را که در اتحاد با فلسطینیها دست به اعتراض زده بودند، دستگیر کردند.

السالوادور

روز شنبه ۲ روس صدام س از اعضای سرویس امنیتی به منظور درج سگس اعضاء کارمندان بیمارستان سمه اجتماعی سان - السالوادور به اس بیمارستان محوم شدند. چهار تن از افراد پلیس در اثر نیراندازی که ظاهرا بین پلیسها در گرفت، کشته شدند و یک زن حامله بر اثر حمله قلبی درگذشت.

روز دوشنبه، جبهه فارابوندومارتی

بی‌عملی مورد انتقاد شدید اعضای حزب کمونیست بودند. رهبران ث. ژ. ت. تا کنون موفق نشده بودند کارگران را علیه دولت سوسیالیست بسیج کنند. منطقه IVRY که کارخانه SKF در آن قرار دارد از مناطق کارگر نشین حومه یاریس است که از زمان "موریس ترزا" در دعه ۳۰ از پایگاههای قوی حزب حزب کمونیست فرانسه بوده‌است. در طی ۱۰ سال گذشته در این منطقه که ۵۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد، ۱۲۰۰۰ کارگر بیکار شده‌اند.

فیلیپین

سرای اولس بار در روز دوشنبه ۱۰ زوش، وزیر دفاع فیلیپین "خوان پس اسرل" اقرار کرد که چریکها WAF ارسن سوس خلق، بارون مسلح حزب کمونیست) در ساسل و اطراف آن دست به عملیات می‌زنند. وزیر دفاع با اذعان کرد که "هدف چریکهای سیرن اتحاد است تعرض کات ساسل با ارسن محصور به کم کردن فشارهای خود بر روی پایگاههای چریکی در سایر نقاط سود." وزیر دفاع تصریح کرد که برای مقابله با چریکها از ارسن استفاده خواهد شد و این وضعیت فقط به‌عهده پلیس می‌باشد.

هند -

قاچاقچیان دیپلمات

بنابه گزارش روزنامه DECCAN HERALD چاپ هند، در طی دو سال گذشته ۱۲ دیپلمات خارجی و واستگانتان در کشور قاچاق احساس عرفاسونی بوده‌اند.

وزیر دارایی در امور االمهای هند گفته است حسهای قاچاقی که از این دیپلماتها ضبط شده عبارتند از هروئین ویدئو، دوربین فیلمبرداری، طلا و ... این دیپلماتها از کشورهای ایران، فرانسه، کره، نیجریه، زامبیا، تایلند، سومالی، یونان و مراکش هستند.

آلمان غربی

برلن غربی - در اول ماه مه سرگذشت روز جهانی کارگر با شرکت دهها هزار نفر در برلن غربی برگزار کردند.

در این مراسم سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در آلمان فدرال و برلن غربی نیز با صف مستقل خود شرکت کرد. این مراسم که به صورت راهپیمایی از چند نقطه شهر آغاز شده بود با برگزاری میتینگ وسیعی در میدان جمهوری شهر خاتمه یافت. هواداران سازمان در طول این تظاهرات ضمن اعلام همستگی خود با کارگران سایر جهان با پخش شریه "ایران در مبارزه" (Iran Im Kampf) به زبان آلمانی به افشای سیاستهای ضدکارگری و ضدخلق رژیم جمهوری اسلامی پرداختند و نقش سازمان حرکتی فدائی خلق ایران را در راه سازمان دهی طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم ایران برای سرنگونی رژیم شرح کردند.

اتریش

رفقا با شرکت در این تظاهرات و حمل آرم سازمان و شعار: "تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میتوان به حکم حاشمه داد" و شعار "زنده باد همستگی بین المللی" با دیگر همستگي خود را با نمایی طیفهای جهان متحد کرده و روز جهانی کارگران را با آلمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان مهسمان گرامی داشتند.

سازمان خارجی تحریراتی در جهت افشای جبهه رژیم حاکمان جمهوری اسلامی و امپریالیسم و کفران سازمان هفت کشور امپریالیستی در آلمان ابراز شد که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. لازم به تذکر است که دولت آلمان این روز را به جای روز کارگر (Dertag der Arbeiter) روز کسار (Dertag der Arbeit) می نامد.



وین - تظاهرات اول ماه مه.

هاوسورگ - به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه (روز جهانی همستگی مبارزاتی کارگران) سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در شهر هاوسورگ مشترکاً با گروه همستگی شاغس و بیکاران سازمانهای Dev Geng، ATIF، HATIB و PKK برکه و چند نیروی آلمانی از فیلد حزب سرها (Die Grünen) و اتحادیه کمونیستها و ... اقدام به تشکیل معائن المللی (بلوک ایراسیوالیسی) نمودند. در این تظاهرات کلاً ۴۰،۰۰۰ نفر در بلوک ایراسیوالیسی پس از ۵،۰۰۰ نفر شرکت داشتند.

در پس راه این بلوک مورد تهاجم پلیس واقع شد که با مسدود نمودن خیابان سعی در بازگشته نمودن تظاهرات کنندگان و شخصوس نیروهای خارجی داشتند. این بلوک علاوه بر اعلام کرده بود که به عنوان اعتراض به سیاستهای اتحادیه سندیکا های آلمان با ایجاد سر و صدا مانع از تحریراتی رئیس این اتحادیه از استرانت (Ernst Breit) در محل مورد نظر خواهد شد. به همین علت پلیس سعی در ممانعت از ورود تظاهرکنندگان به محل تحریراتی داشت که پس از یک درگیری که منجر به سرع طول کشید و منجر به زخمی شدن تعدادی از تظاهر کنندگان و دستگیری یک نفر شد، با هوساری مردم و مقاومت آنها، این نوظف پلیس خنثی شد.

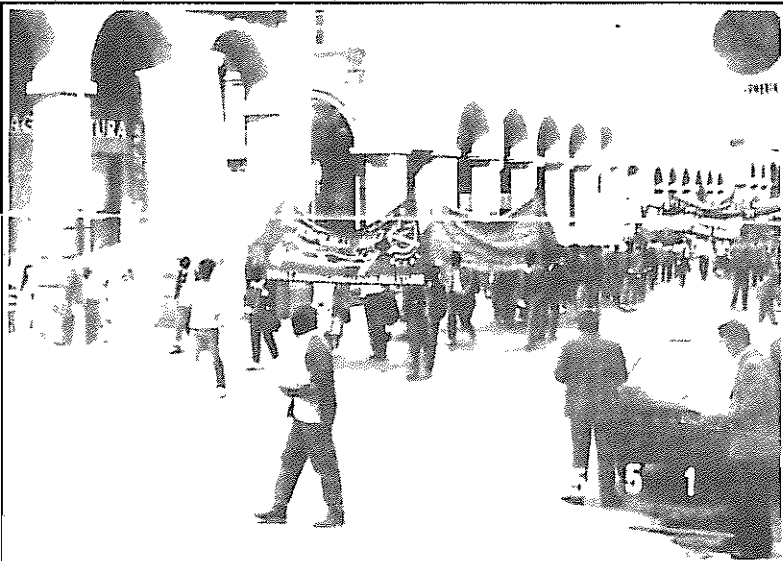
این بلوک (منفکله از نیروهای شرکتی، چند نیروی مرفی آلمانی و هواداران سازمان) پس از خاتمه تحریراتی از استرانت محل را ترک و در محل راه آهن اصلی شهر اقدام به برگزاری گرد همایی جداگانه ای نمود. در این نسبت از طرف رفقای هوادار به عنوان تنها

و عملکردهای آن را در طی شش سال حاکمیت نیکس با رها از طریق بلدگو و در حین اجرای نمایش برای مردم توضیح دادند. خواست پیروزی انقلاب و آلمان به سرنگونی رژیم و سرفراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان در قسمتی دیگر از نمایش و با به بند کشیدن سمبل جمهوری اسلامی به نمایش گذارده شد که با استقبال فراوان نظاره گران مواجه شد.

پنجاه هزاران اعلامیه فارسی و آلمانی در رابطه با این روز و جمع آوری کمکهای مالی گوشه های دیگر از حرکت مؤثری رفقای ما در این روز محسوب می گردد.

وین - در گرامیداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، همستگی با مبارزات کارگران سراسر جهان و پشتیبانی از رزم رورافزون کارگران ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی، سازمان دانشجویان ایرانی وین - اطریش هوادار سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در مراسم راهپیمایی که هر ساله به مناسبت فرارسیدن این روز تاریخی برگزار می گردد با صف مستقل، شرکت خلاق نمود. هواداران بیچفا انبیار با برگزاری مراسم نمایش خیابانی در راهپیمایی هوش در حضور هزاران تن از مردمی که در طول مسیر راهپیمایی ساطر مراسم بودند مابعد مدخلی رژیم را سنن از سنن در افکار عمومی افشا کرده

ایتالیا



ایتالیا - صحنه‌ای از تظاهرات اول ماه مه در بلونیا.

به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر، رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در واحدهای بلونیا - حوا - رم - میلان - پادوا - ونیز - راباری. در سراسری که به همین جهت از طرف سدیگاهای سراسری و متحده کارگران ایتالیا در این شهرها ترتیب داده شده بود وسیعاً شرکت کرده و با بحسب بیش از ۲۰۰۰ اعلامیه در هر کدام از شهرهای فوق به امضای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداختند. همچنین رفقای هوادار در شهر ناپل اقدام به چاپ و نصب ۴ نوع تراکت نموده و با نصب صدها نسخه از این تراکتها افکار عمومی شهر را به شرایط خفقان و ترور در ایران جلب نمودند.

بلونیا - در مراسم راهپیمایی که به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر در شهر بلونیا - ایتالیا برگزار گردید، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران واحد بلونیا همچون سالهای قبل با خلاقیت چشمگیری شرکت نمودند.

در مسیر راهپیمایی رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با دادن شعارهایی در رابطه با اتحاد کارگران جهان و افشای جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی توجه شرکت کنندگان را متوجه خویش نمودند. ترجمه بخشی از شعارهای رفقا بقدر زیر می‌باشد:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی
"مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
"قتل، غارت، شکنجه در ایران بس است"
"زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران."

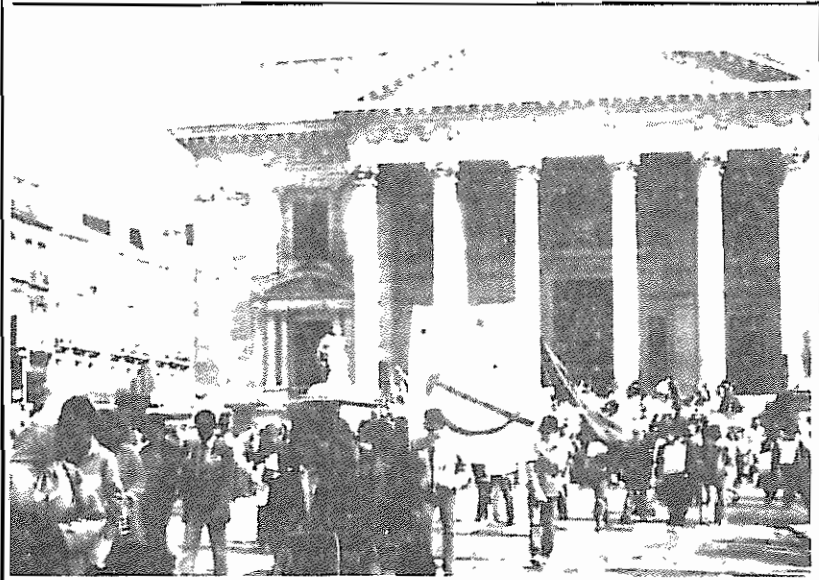
در طی این تظاهرات که از جانب سدیگاهای سه‌گانه سراسری کارگری ایتالیا سازمان داده شده بود افشای چهره کریه و ارتجاعی جمهوری اسلامی توسط رفقای هوادار واحد بلونیا مورد استقبال شرکت کنندگان و ناظرین قرار گرفت.

در این مراسم علاوه بر فروش نشریه کار ایتالیایی بیش از ۲۰۰۰ اعلامیه که بارگو کسیده شرایط خفقان و ترور حاکم در ایران و وضع عیراساسی محبط کارگری و استعمار زحمتکشان و کارگران ایران و سایر خلقهای تحستم ایران می‌بود پخش گردید.

لازم به یادآوری است که چند روز قبل از مراسم روز اول ماه مه درنگ مستیگ انتخاباتی که از طرف حزب کمونیست، ایتالیا در بلونیا ترتیب داده شده بود رفقای هوادار شرکت کرده و با بحسب ۲۰۰۰ اعلامیه در مورد جنگ ارتجاعی ایران و عراق به امضای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.



سگلور - صحنه‌ای از تظاهرات اول ماه مه.



بروکسل - تظاهرات اول ماه مه .

بروکسل - هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بلژیک در تظاهرات آشکوه روز اول ماه مه که از طرف اتحادیه های کارگری اس کشور برگزار کردند، شرکت کردند و با بخش وسیع تراکت و شتره کار (فرانسه) در بین کارگران، مخصوص کارگران مهاجر، بیش از پیش رژیم صدکارگری جمهوری اسلامی را افشا نموده و احبار اعتصابات کارگری چند ماهه احسر و احبار حسرت توده ای را به آنها رساندند. رفقای هوادار همچنین در جشن حزب کار بلژیک که مناسبت روز اول ماه سرکار گودسه بود شرکت کرده و به معرفی برنامه عمل سازمان به عنوان تنها برنامه انقلابی در سطح جشن، پرداختند. رفقا همچنین مبارزه انقلابی رفقای فدائی در بین توده های کارگر و زحمتکش را برای حاضرین بازگو نموده و مواضع خائنانه و ضدانقلابی مزدوران توده ای و "اکثریتی" را افشا نمودند.

نشریه
کار
لرگان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید

نشریه
کار
لرگان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید

نشریه
کار
لرگان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید



سوند

نشریه
کار
لرگان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید

استیکلم - در تظاهرات اول ماه مه امسال که از طرف حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست انقلابی (K.P.M.L. (I) در استیکلم در بزرگداشت روز جهانی کارگر برگزار کردند، هواداران سازمان با حمل آرم سازمان و شعار "بده مستکی کارگران ایران و جهان" و همچنین شعار "سرکون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران، شرکت کردند.

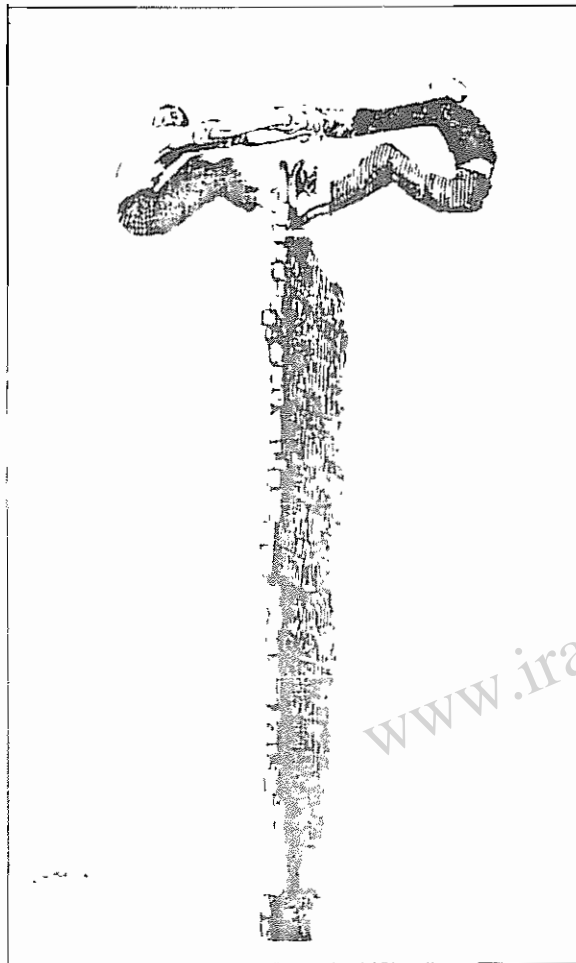
در این تظاهرات هواداران سازمان اقدام به محس اعلامه ای به زبان سوئدی که حاوی مطالبی در افشای رژیم و حسابات مبارزات مردم و معرفی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود، نمودند. شعارهای مهم این تظاهرات عبارت بودند از:

- ۱- مرگ بر امپریالیسم آمریکا
- ۲- رده باد سوسالسم، مرگ سر سرمایه داری
- ۳- مرگ بر اتحادیه کارفرمایان، کار برای همه.

نشریه
کار
لرگان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید

شد، ولی هواداران سروهای انقلابی تا مسامت طولانی در دو طرف صف ظاهرکنندگان رژیم حرکت کرده و به افشای آنان ادامه دادند. در این تظاهرات تنها عده سار کمی از عناصر حزب الله ایران شرکت داشتند و عمده ظاهرکنندگان از مرجعین مسلمان کشورهای عربی و پاکستان و نیگلادی بودند. یکی از شعارهای غالب سروهای صدرزیم در بیان سوئدی شعار "حسی، سوفورس، همسگی بود. (سوفورس نام کمیایی است که رژیم جمهوری اسلامی اطلحه می فروشد و معاطاب محمی آن با رژیم احسرا توسط رسانه های صری سوئد افشا شده است).

مرگ بی شکوه شورای ملی مقاومت



سازمان پش از سیب برمه و "ساعت" در مورد حذافات
 حزب دموکرات کردستان و سازمان مجاهدین خلق، حزب دموکرات
 به عنوان "یکی از دو هیئت اصلی شورای ملی مقاومت" با صدور
 اعلامیه‌ای در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۶۷ رسماً "به قصد جدا
 تر جویا جانید" داد و سازمان مجاهدین خلق را "شکل مستقیم
 "اصلی" قرار دادند. پس از اعلام این اسعافات از طرف
 حزب دموکرات، سازمان مجاهدین خلق، مجلس شورای ملی و
 حزب مجاهدین و افتاء داشت که حزب قصد داشته تا از طریق مذاکره
 با رژیم عراق، سرحد را برود و با رژیم به انحصار نگارند.
 چون مجاهدین در پیاجی پس از اسعافات، عناصری که حزب
 را منجم ساختند از عرصه‌ای است افرادی مثل منسی،
 حران ماسی مثل حزب مدته را وارد سورا کند.

حزب دموکرات بر به یونیه جدا می‌شود و سازمان را
 از طرف مجاهدین از "سازمان منسی" جدا کرد. سازمان
 برای "مدیریت" سازمان منسی بر مسائل اساسی "شورای ملی
 مقاومت" دست‌نویس کرد. سازمان منسی در مورد "شورای ملی
 مقاومت" اعلامیه‌ای صادر کرد که در آن "شورای ملی مقاومت را"
 "سازمان اصلی" قرار داد. سازمان منسی اعلامیه‌ای
 صادر کرد.

مجلس شورای ملی، سازمان منسی که سازمان اصلی است
 منس خطاباً سورا منسی است. بر، عسکر و منسی منسی
 منسی دارد. سازمان منسی "شورای ملی مقاومت" افتاء
 منسی را
 منسی کند و مسائل را از مدته می‌فشان دارد. واقعیت مسلم
 آن است که به سازمان مجاهدین خلق و به حزب دموکرات منسی
 کدام غلبه اصلی اسعافات احمر در شورای ملی مقاومت را نشان
 منی دارند.

اگر واقعا اختلاف سازمان مجاهدین با سیاست حزب
 دموکرات بر سر مذاکره حزب با رژیم منی بود - سیاسی که البته
 هیچ سرور اختلاف منی تواند آرا نامند کند و حددا منجم
 است - چرا مجاهدین منی موقعی که دور اول این مذاکرات
 انجام منی ژرف و از طریق حزب دموکرات از چگونگی آن ناخبر
 بودند، آرا منجم ساختند؟ چرا و به چه دلیل پس از گذشت
 عرصا یک سال به فکر منجم کردن آن منی افتاد؟ وانگهی اگر
 سیاست مذاکره حزب دموکرات با رژیم منجم است چرا آنها
 که خود مجاهدین با رژیم مذاکره منی کردند - "شورای ملی مقاومت"
 خود را اساساً به منی مذاکره - توافق با خود از رژیم منسی
 منی لیاقتاً به رفتن منی صدر، رجوع به مذاکره منسی
 مذاکره را منجه پیسنیده‌ای برای منسی منی عذرت منی دانستند
 و با آن مذاکره با منسی منسی منسی منسی منسی منسی

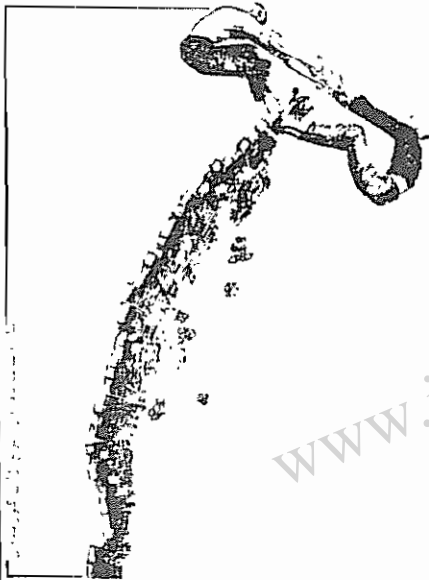
خطبه‌های سازمان منسی منسی امیرالمسلم منسی - منسویان
 کوشاکون آن از عناصر کجای مجلس منسی و منسی اصناما نرفته با
 حزب منسی منسی "سوسیالیست‌های منسی منسی منسی منسی منسی
 منسی منسی امیرالمسلم انگلیس منسی منسی منسی منسی منسی
 منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 و اخبار منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 در مورد منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 حزب منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 و سازمان منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 غلبه اصلی احزاب منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 با رژیم جمهوری اسلامی منسی منسی منسی منسی منسی منسی
 منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی منسی

سرگت در انقلاب ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ دوران ملی مقاومت که مدت آن سریکسی " رژیم حمصی " بوده است ، تاکنون به فکر مذاکره با رژیم صفاصدا واقعیت این است که سیاست مذاکره با رژیم حزب دموکرات رسته در مابست سیاست ما و برافشای آن حرب دارد ، از گفتن حدیثی برخوردار است و سها چرخش حدیثی محسوب می شود .

از طرف دیگر امر ادعای حرب دموکرات را که ساسهای عردموکراتیک سازمان معاندین باعث حدیثی آن از سورا شده است می توان حدیثی گرفت . حرب دموکرات پس از چهار سال استاز با معاندین در چارچوب سوزای ملی مقاومت ، حاد ادعا می کند که " طی این مدت کلمه معانی خود را صرف دموکراسی کرده سورا ، دادن عیوب مشکل به اس شکل ، تصحیح و تکمیل برنامه آن می نمود " . حرب دموکرات عمیقاً اغیار می دارد که طی مدت چهار سال نویسنده است با " از حمیل ابدولوری معینی از طرف معاندین به سورا حلوقیری به عمل آورد " . چند سند پیرامون روابط حزب دموکرات کردستان ایران با سوزای ملی مقاومت ، از انتشارات حرب دموکرات کردستان ایران ، اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ ، ص ۷) حرب پس از چهار سال همکاری نزدیک با سازمان معاندین حاد انتم می کند که " ممولس سازمان معاندین عملاً نشان دادند که ... سوی از دموکراسی سرده اند " و برخورداران " غیراصولی و عردموکراتیک " است (بمصاحف ، ص ۵) حزب دموکرات ، با ارائه دادن اسناد و سوادین نشان می دهند که روابط دروسی سوزای ملی مقاومت عردموکراتیک است و همه چیز در کنترل رجوی قرار دارد . حرب دموکرات ، از حمله می گوید که " معاندین سها سروان سواصی با خود را در سورا راه می دهند " و تنها با سروانهای که " مطیع سیاست آنها هستند " حاضر به ادامه همکاری هستند . حرب دموکرات امروز که از سورا جدا شده است صالشی را افسا می کند که البته تاریکی ندارد و مدتها پس توسط سروانهای انقلابی افسا شده بود ، ولی همان آن توسط " یکی از پایه های اساسی سورا " جالب است . مثلا در رابطه با برخورد معاندین به مساله ملی در ایران حرب اعلام می کند که " آنها نارضا در سورا فاطمه اغیار داشتند که اگر روزی سوزان ملی مقاومت با حق خودمختاری دیگر خلفهان سمعیده ایران باشد اندر باحالی و لوجیسان موافقت کند ، معاندین سورا راست خواعت گفت " (بمصاحف ، ص ۷) چه اغیار صرحی ! سروان انقلابی با دروسر به دلیل تمس افناگری با " سورا سس " و حمصی با رسته از اس سوج منتخب می بندد . حرب دموکرات پس از چهار سال عضویت در سوزای ملی مقاومت به عنوان " سها " آلتراسیو دموکراتیک ممکن " ، امروز اعلام می دارد که از همان ابتدا معلوم بوده است که " سورا چگونه و از چه طریقی می خواهد رژیم را سرگت سارد " که " سورا برنامه عقل منحصر بران سرگتسی رژیم حمینی ندارد و ماساکر حوادث است " ! (بمصاحف ، ص ۹) اگر وضع تا به اس حد وجم بوده است پرسندگی است که حرب دموکرات طی اس چهار سال در دروس سورا چه می کرده است ؟ چرا امروز پس از چهار سال حرب دموکرات حواسار جدایی دین از دولت می شود ؟ اعلام می دارد

که " در سطح حمصی سیاست و اندولوری سازمان معاندین ، سوزای ملی مقاومت پس از پس پس اصلین خود را به عنوان الیاسو دموکراتیک از دست داده است و به آلت دست معاندین تبدیل گردیده و آنها آرام سورا سها به منظور پیسرده معاضد سازمان خود بهره گیری می کردند " (بمصاحف ، ص ۱۰)

سازیمه اسها ، اس ادعای حرب دموکرات که سیاستهای عردموکراتیک سازمان معاندین در دروس سوزای ملی مقاومت صحیبه فریپاسی سورا و جدایی حرب اران شده است می تواند حقیقت داده باشد . چراکه این سیاستها تاریکی ندارند و کلت سوزای ملی مقاومت و سند سند برنامه اس عردموکراتیک و ارجاعی است . هیچ شکست حدیثی ، بهر دروس سازمان معاندین و بهر سوزای ملی مقاومت ، یدت ساخته است که حاد و در این لحظه باعث انحرار حرب دموکرات گردید . سوزای ملی مقاومت و همه برنامه های آن



و دولت پیسهادین اس معنی جمهوری (دموکراتیک) اسلامی از همان ابتدا همان طور که چپ انقلابی و به ویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با فاطمیت و پیگیری انقلابی و مسوونه ان اعلام کرد ، اساسا غیردموکراتیک و ضد منافع نوده ما بود . با این وجود حزب دموکرات ، به مدت ۴ سال ، بران عصبی نهاد عردموکراتیک سینه می رد و آرا " دموکراتیک نرس آلتراسیو " معرفی می کرد . حرب دموکرات به مدت چهار سال دس بوده های زخمکش کرد و به ویژه پیسرگان دلیر خلق کرد را با عضویت خود در سوزای ملی مقاومت و تبلیغ دموکراتیک بودن آن محدودش ساخت و حاد همچون نونداروی پس از مرگ سهراب اعلام می کند که " به منظور جلوگیری از ایجاد نوعم در سوده های مردم کردستان و سراسر ایران نسبت به سوزای ملی مقاومت دفتر سیاسی حزب صمیم گرفت سورا را ترک گوید " (بمصاحف ، ص ۱۰)

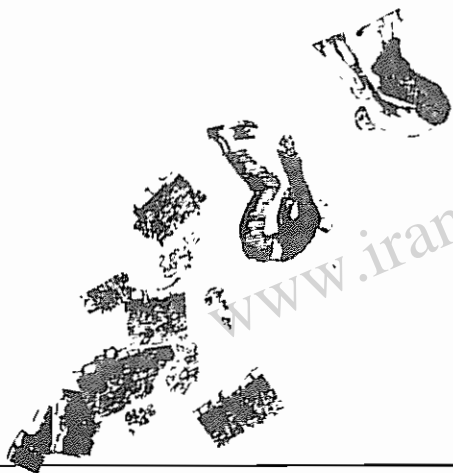
اما واقعیت چیست ؟ ریشه اصلی انصاعاب حرب دموکرات و فروپاشی سوزای ملی مقاومت در چیست ؟ همان طور که گفتیم ، به سازمان معاندین و نه حزب دموکرات عمجک حقیقت را

می‌گویند. ضعف آن است که اسباب احقر حرب دموکرات از شورای ملی مقاومت، که در ادامه سلسله اسباب‌های یکی دو سال احقر در سورا پدید آمده است (خدای ماسالی و حسن رحمتکاران کیلان و مارشدران، سی‌صدر و طرفداران وی، شورای متحد چپ، احادنه کمونسها، ناصر یاکدام، ۳۰۰۰) ساه چیزی بیست جز اسکة طرح شورای ملی مقاومت تا سکت فصاحت تاری روبرو شده است. آن اسبابها عمه بباگر مرگ سی‌کوه آن اختلاف سورروا، رفرمیسی و آکار سدن برنامه‌های ضددموکرات آن برای توده‌های آگاه ایران است. خدایس حرب دموکرات از سورا هصرفا به‌دلیل "سکارست" بودن مجاهدین و هصرفا به‌دلیل مدارکه حرب دموکرات با رژیم احام گرفته است. این خدایی سانه نکست طرح سازمان مجاهدین برای احاد بک جمهوری اسلامی دیگر از طریق احاد تا سوررواری لسرال و جناحی از امیرالاسم جهانی به سرکردگی امیرالاسم آمریکا است. کسی که باور آن برای عمه بیرونی‌های درون سورا و هصره سازمان مجاهدین پس دسوار است. اسبابهای احقر در شورای ملی مقاومت که سلالی آنرا فطعی کرده است باشی از حران دروسی انتلافی است که اساسا بر مبنای بک ظن کست قدرت صریسی و سه کودتایی ایجاد شد و فرار بود جسی از مات خاکه احان لسرالها به رهبری سی‌صدر و ارس (نخس عمده در آن بارن کسد و قدرت از ساد و بدون تحالت توده‌ها کست خود. بر مبنای جسی طرح و رویایی بود که سازمانها و افراد محلفی برای عمه خدایس از فاعله قدرت به شورای ملی مقاومت پیوستند. آن طرح اما پس از چندنی با سکت مواحه سد و ساکنیکهای سلاکسی و جدا از توده مجاهدین خوانست "رزم حمیسی" را سرکون کسد. و بیکار دیگر این اصل مسلم تاریخ صاوررات حلفهای جهان بر عمکان روس سد که اغلاب کار توده‌ها است. بیکار دیگر سیهودی طرحهای سه کودتایی و ضرورت کست قدرت سیاسی از سون بیرونیاری منسلک و مسلح نخت رهبری حزب طبقاتی‌اش بر عمکان اثبات سد.

از سوی دیگر شباهت و یکسانی برنامه شورای ملی مقاومت با برنامه‌ها و سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و برنامه‌های سورروازی خارج از سورا برای توده‌ها آنگارتر و ماعتیت ضدکارگری آن برای توده‌های آگاه افشا شد.

درچنین مجموعه‌شرایطی، یعنی درشرایط شکست استراتژی کسب ضربتی قدرت و افشای ماعتیت واقعی برنامه شورای ملی مقاومت، طبیعی است که بین تشکیل دهندگان شورای ملی مقاومت سناک می‌افتد و هریک از اجزای آن برای کسب آسروی مجدد و خلاصی خود از مخمصه دیگری را مسوول این سکت می‌داند و سعی می‌کند دامان خود را پایکیزه حلوه دهد. حرب دموکرات که زمانی تصور می‌کرد شورای ملی مقاومت و سا هنر اس بکوییم سازمان مجاهدین می‌تواند قدرت را از بالا نصرف کند و خواستهای حرب در مورد خودمختاری کردستان را سرآورده سارد، امروز دکر به سراسی سورا و مجاهدین اعتمادی ندارد و با خروج ارشورا برصد سرآمده‌است تا حواسهای محدود خودرا، که درچارچوب سورروازی نبر قابل تحققی است، از راه‌های دیگری به‌دست آورد. حال، ایسکه آن

حرب دموکرات تا حائنس توده‌ای - اکثریسی وسروهای ساسرسی مثل راه کارگر و جز اسها، انتلافی رفرمیسی ایجاد کند و اساکما لسرالهای کوناگون وارد انتلاف لسرالی خدنی بود، درآمده برکت روس خواهد سد. هر دو بلوک رفرمیسی و لسرالی در حال سکلکیرن به حرب دموکرات چسک می‌رسند و حرب سر سنجک از این دو بلوک را ساکون نامند کرده است و عمه راه‌ها. حسی راه حقی حواسهای خود در چارچوب رزم‌جمهوری اسلامی از طریق مدارکه را سار کداسه است. البته حرب دموکرات که سدیدا و سنافاه به "پلورالسم ساسی" اعتماد دارد، بعید است که حوامان ادغام بلوک سدهای لسرالی و رفرمیسی ساند. و جسی حواسی البته ریاد عم سی‌رظ سست و عرگاه که نرم باشد در مافع سوررواری به‌طور کلی اجاب کند. اس بلوک سدهای سارا عمصاد وحدت می‌کند. لیبرالسم و رفرمیسم به عنوان دو حران سداغلاسی دوروی بک سکه‌اند.



با شکست برنامه سورروایی شورای ملی مقاومت و فروپاشیدن آن، دوران روشی این انتلاف سورروایی به‌سر آمده است و بیرونیاری ایران به‌بیروزی بزرگی در راستای افشا و حتی سدن یکی دیگر از ترفندهای کوناگون سورروازی دست یافته است. با افشا شدن ماعتیت واقعی سازمان مجاهدین و آلتزانیو شورای ملی مقاومت‌سار، از این پس آلتزانیو بیرونتری خر چه بیشتر جای خود را درین توده‌های رحمتکش باز خواهد کرد و چون تنها آلتزانیو قادر به سرکوسی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی خود را در جامعه تثبیت خواهد کرد. بیرونیاری ایران چون سناطسفه سا سناقر اغلابی، از اس پس اسوارتر از حمیه، در راستای سابدکردن سلطه امیرالاسم جهانی به سرکردگی امیرالاسم آمریکا و سناگاه داخلین عمی سرمایه‌داری وایسه و اسفرار سهای سوسیالیسم حبت برچم مارکسسم - لاسسم و سها سازمان مدافع خود بعضی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیروصدانه به پیس حوامند رفت.